

# همسایه در را باز کن

لیلا صادقی

دانشگاه بیلیگی استانبول، دانشگاه بیل کنت آنکارا، کانون نویسندگان ترکیه و چندین سازمان فرهنگی دیگر با تلاش، پیگیری و هماهنگی دوست هنرمند ایرانی ساکن ترکیه، دکتر هاشم خسروشاهی، از هشت نویسنده و شاعر ایرانی برای شرکت در همایش همسایه در را باز کن دعوت کردند. این برنامه هاطی دوازده روز در آنکارا و استانبول برگزار شد که البته در این بین سفری به شهر مولانا و کاپادوکیای باستانی فتح شده در زمان هخامنشی نیز انجام شد. علی آکای، مراد بلگه، ماهر ازتاش، ژاله سانجاک، الف شفق، لیبر ارتابلی، دریا اوندر، صبری کوشکنماز، چنین اونر آیلاکوتو، الهان اردوست، وجیهی تیمور اوغلو، صالح بولات، عبدالقادر بوداق، احمد اوزو، اولوس باکر، محمود تمیز اورک، جواد چایان، احمد نللی، محمد تائر، چیدم سزر، تمیز اورک، نیلای اوزر، اوزلم سزر، صالح آیدمر، صالح بولات، گولسلی اینان، نشته یاشین، آتین مونثو، متین - کایقالاک، زینب کویلو، احمد تلی، آیلا کوتلو، اسکندر پالا و غیره از نویسندگان و شاعران صاحب نام ترکیه در کنار رضا براهنی، جواد مجابی، فرخنده حاجی زاده، لیلا صادقی، شمس آقاجانی، عمران صلاحی، علی اشرف درویشیان و فریبا وفی به گفت و گو پرداختند و هر یک در یکی از میزگردها درباره ی مبحثی سخن گفتند.

از آثار ادبیات ایران که به ترکی ترجمه شده بود، مجموعه شعر فروغ فرخزاد و سهراب سپهری، آثاری از صادق هدایت، غلامحسین ساعدی، صادق چوبک و دیگر نویسندگان نسل اول و دوم ادبیات ایران و از ادبیات معاصر مجموعه شعر خطاب به پروانه ها و بخشی از آزاده خاتم و نویسنده اش از رضا براهنی، رمان های از چشم های شمامی ترسم، کتاب خاله ی سرگردان چشم ها و قصه های خلاف دموکراسی، ادامه و شعرهایی از فرخنده حاجی زاده، همچنین در مجله ای به نام اوتکی سبز آثاری از هنرمندان معاصر ایران از جمله نویسندگان و شاعران مدعو به همراه زندگی نامه شان ترجمه شده بود که البته بخش اعظم ترجمه ها را هاشم خسروشاهی انجام داده بوده، از جمله: از چشم های شمامی ترسم، خاله ی سرگردان چشم ها، خطاب به پروانه ها، دیوان فروغ فرخزاد، شاملو، و ۵۰ قصه از هنرمندان معاصر ایرانی در مجموعه ای به نام همسایه در را باز کن، و مجموعه ی دیگری به نام یادم بده که حظور فراموشت کنم که بخشی از آزاده خاتم و نویسنده اش، دست تاریک - دست روشن

از هوشنگ گلشیری و سلول ۸ از علی اشرف درویشیان از جمله داستان های آن است. البته رمان و داستان های این دوست هنرمند نیز در حال انتشار است و ترجمه های او بوده که ادبیات معاصر ایران را به ترکیه معرفی کرده است.

در خانه ی هنرمندان آنکارا، علی اشرف درویشیان درباره ی "قصه نویسی معاصر ایران" و لیلا صادقی درباره ی "چرا همه ی خوانندگان ادبیات زبانی مخاطبان آن نیستند" که در واقع جریان ادبی جدیدی به نام داستان زبانی را در بر می گیرد،





صحبت کردند. لیلا صادقی نداشتن تعریف پیشین از موقعیت قصویت، ایجاد رابطه‌ی دال به دال، خود ارجاع بودن، برآورده کردن انتظارات غیرمستقیم خواننده از مسائل اجتماعی در ادبیات و نه مستقیم، ورود فرهنگ تصویری، از بین رفتن وجه شفاهی در روایت و غیره را از ویژگی‌های ادبیات زبانی نامید. فرخنده حاجی زاده با عنوان "لایه‌های زیرین را من نقش می‌زند" صحبت کرد که در واقع توضیحی قصوی درباره‌ی قصه‌های خود به وسیله‌ی شخصیت‌های قصه‌هایش بود. شمس آقاجانی درباره‌ی "گسست شعر فارسی" گفت و سه دوره برای شعر ایران قائل شد:

دوره‌ی کلاسیک (۱۳۰۰)، دوره مدرن (۱۳۰۰ تا ۱۳۷۰) و دوره‌ی شعر زبان یا زبانیت شعر در دهه‌ی هفتاد که پربسامدترین اصطلاح در نقد ادبی است. او بر اساس نظریات فوکو، چهار دوره‌ی تاریخی برای ادبیات جهان قائل شد. عصر پایان انسان ۱۹۵۰ که همان رنسانس است و اصل شباهت در آن اهمیت دارد و اسطوره و افسانه مطرح می‌شود که این عصر به صورت ناگهانی قطع می‌شود. عصر دوم عصر بازنمایی است که فاعل شناسایی، موضوع شناسایی نیست. عصر سوم، عصر مدرن است که فاعل شناسایی موضوع شناسایی است و عصر چهارم، دوره‌ی معاصر است که انسان موضوع زبان است. جواد مجابی درباره‌ی مفهوم "خلا در ادبیات"، رضا براهنی درباره‌ی "زبانیت" و قطعه‌قطعه بودن زبان در ادبیات، و فریبا وفی درباره‌ی "داستان‌های زنان ایران" صحبت کردند و عمران صلاحی گفت: "من در ترکیه چهار نفر هستم: عمران، عمران، عمران، عثمان. در ضمن، من سیمین بهبهانی نیز هستم و امیدوارم نگویند که سیمین روسی‌اش را برداشته است و لیلا صادقی هم، رضا سید حسینی است! و عنوان جلسه هست: همسایه در را باز کن. اگر سیاستمداران، درها را به روی هم بسته اند، شاعران و نویسندگان درها را باز کردند. شاه اسماعیل و سلطان سلیم درها را به روی هم بستند، اما شعرشان درها را به روی هم باز کرد. در شعر کلاسیک، شعر عرب پیشرو بود، بعد ایران و بعد ترک. در شعر نو اول ترکیه، بعد ایران و بعد عرب. توفیق فکرت، ۲۰ سال قبل از نیما شعر نو را آغاز کرد و نیما از او تأثیر گرفت و اکنون این همایش نیز آغازی برای تبادل فرهنگی است." همچنین، "آیلا کوتلو" که ۲۵ قصه تحت تأثیر بورخس نوشته است و "ایلهان ایردوست" که از رئال سوسیال نویس‌های ترکیه است، صحبت کردند.

از نویسندگان ترکیه، "مراد اوپورکولاک" بیانیه‌ای درباره‌ی نفی ادبیات کلاسیک ارائه داد. البته قابل به ذکر است که تغییر الفبای ترکی در زمان آتاترک به نقل خود نویسندگان ترک زبان، موجب گسست ادبیات ترکی از گذشته‌اش شده است به طوری که ریشه‌های فرهنگی آن ملت را برایشان دور از دسترس ساخته است. همچنین علاقه‌مندان بسیاری به ادبیات فارسی بودند که زبان فارسی را به صورت خودخواسته آموخته بودند و به ترجمه‌ی آثار می‌پرداختند از جمله "دریا اوندر"، "اسرا توران"، "مقبوله آتان" و غیره.

از شاعران ترک، "عبدالقادر بوداک" درباره‌ی شعر معاصر ترکیه و "محمد دوغان" درباره‌ی منشأ شعر امروز، و "پرفسور ایلبر ارتایللی" درباره‌ی فرهنگ نزدیک دو همسایه سخن گفتند.

در مصاحبه‌ای با روزنامه‌ی دجله درباره‌ی تأثیر ادبیات ایران و ترکیه بر یکدیگر سؤال شد و رضا براهنی در پاسخ گفت: "یکی از شاعران مهم مولوی است که نیمی از عمرش را در ترکیه گذراند. زبان فارسی بر زبان درباری ترکیه تأثیر عجیبی داشته و وقتی ترکیه‌ی دوره‌ی عثمانی تغییر کرد و آتاترک آمد، رسمیت ترکی نیز ایجاد شد و ارتباط زبان فارسی و ترکی قطع شد. زبان عربی، زبان عرفان و بخشی از شعر فارسی و ترکی است و ما در میدان اصلی سه زبان اصلی خاورمیانه زندگی می‌کنیم که باید به قوت ارتباط کمک کنیم و آن را تعمیق کنیم." عمران صلاحی گفت که شاعران دوره‌ی مشروطیت از جمله دهخدا اغلب به استانبول می‌آمدند و از ترک‌ها می‌توان احمد هاشم و توفیق فکرت را نام برد که بر نیما تأثیر گذاشته‌اند. درباره‌ی مسئله‌ی سانسور سؤال شد که جواد مجابی آن را چند نوع دانست. سانسور دولتی که ملت را طین قواعد و نظام خود در می‌آورد. سانسور افکار عمومی، گروه‌های سیاسی و سانسور اقتصادی و همچنین خودسانسوری. علی‌اشرف درویشیان آن را مخالف رشد ادبیات دانست. برخی نیز بر این عقیده بودند که هرچند مفهوم سانسور منفی است، اما بالاجبار می‌توان از زاویه‌ی دیگری نیز به آن نگاه کرد، چرا که محدودیت سانسور باعث ابهام بیشتر و پیچیدگی ادبیات و همچنین بیان هنری ممنوعیت‌ها به زبانی ادبی می‌شود.

در همایش استانبول در دانشگاه بیلگی، هدف همایش، معرفی ادبیات همسایه‌ها گفته شد و بعد از هاشم خسروشاهی که درباره‌ی دو کشور همسایه، دوست و برادر سخن گفت، رضا براهنی درباره‌ی "فرق ادبیات گذشته و امروز" صحبت کرد. به طور خلاصه، او گفت که ادبیات ما دچار ناموزونی شده است و یکی از این ناموزونی‌ها عبارت است از مسئله‌ی زبان. در ادبیات، به مرور زبان پدرسالار عقب کشید و زبان مادری جلو آمد که همان زبان عامیانه است. ریشه‌ی زبان مادری، از اشخاصی می‌آید که بیسوادند و زبان پدری متعلق به دربارها بوده است. در ادبیات معاصر ایران، زبان مادری از یک طرف به رخ کشیده شد و از طرف دیگر زن قربانی شد. از مشخصه‌های ادبیات معاصر می‌توان به اسطوره‌ی زدایی از ادبیات گذشته، سمبل‌زدایی و ایجاد نشانه‌های جدید اشاره کرد. زبان قصه‌های جمالزاده عامیانه است، اما در خود قصه به خود زن تجاوز می‌شود که به علت اسطوره‌ی زدایی از تقدس است. در بوف کور که آن را می‌توان یک رمان پست مدرن نامید، چرا که یکبار زن را ظاهراً ندانسته می‌کشد و قطعه قطعه می‌کند؛ زیبایی قصه به همین بیان قطعه قطعه است که قصه یعنی قصص (قصاص) یعنی اول بکش و بعد روایت کن. هدایت دوباره زن را به صورت لکاته زنده می‌کند و یکبار دیگر می‌کشد و نیز خودش را به عنوان پیرمرد خنزر پنزری می‌کشد. زنی که زبان هدایت را باز می‌کند، کشته می‌شود. بعد از کودتای ۲۸ مرداد که ادبیات توده سرکوب می‌شود، یک زن به روایت رابطه‌ی زن و مرد از دید زن سخن می‌راند که او فروغ فرخزاد است. آندره برتون می‌گوید ما در فرانسه انقلاب نکرديم و انقلاب اجتماعی ما جای خود را به انقلاب ادبی داد. در ایران نیز انقلابی ادبی رخ داد. احمد شاملو زبان گذشته را به زبانی سیاسی تبدیل می‌کند و سپس زبان را برای ستایش زن آماده می‌کند. نتیجه‌گیری این که زمان امروز ما ناموزون است و ما در ارتباط با غرب گاهی جلوتر و گاهی عقب‌تر هستیم. ما باید به غرب یاد بدهیم که بدون ما نتواند به خود نگاه کند، چرا که اکنون شعر و ادبیات ایران از درخشان‌ترین ادبیات‌های جهان است.

در نشستی که در روز بعد برگزار شد، لیلا صادقی درباره‌ی "شخصیت‌پردازی در داستان‌های زبانی و شخصیت‌های قصه من"، علی اشرف درویشیان درباره‌ی "نویسندگان ایران"، الف شفق درباره‌ی "زمان‌های خود و اهمیت زبان"، ژاله سانجاک، ماهر ازتاش درباره‌ی "پست مدرنیسم و رضا براهنی درباره‌ی شخصیت‌های رمان هایش صحبت کرد.

در نیمه‌ی دوم، شمس آقاچانی درباره‌ی "دوره‌های شعر فارسی"، جواد مجابی درباره‌ی "طنز در شعر شاملو"، اسکندر پالا درباره‌ی "شعر دیوان"، حیدر ارگولن و عمران صلاحی نیز صحبت کردند. در نیمه‌ی سوم، رضا براهنی، فریدون آنداج و فیضا هچلین گیرلر درباره‌ی "ادبیات در تبعید" سخن گفتند که براهنی معتقد بود ادبیات گاهی زبانی و گاهی جغرافیایی در تبعید قرار می‌گیرد.

در نشست روز آخر، قصه‌خوانی با فرخنده حاجی زاده، لیلا صادقی و فریبا وفی آغاز شد و با خواندن متن ترجمه از سوی اسرا توران ادامه یافت. در نیمه‌ی دوم، علی آکای، مراد بلگه و رضا براهنی درباره‌ی "پست مدرنیته" سخنرانی داشتند و در نیمه‌ی سوم، شعرخوانی شاعران ترک و فارسی زبان بود و در نهایت به هر یک از نویسندگان و شاعران ایرانی لوح تقدیری از دست هنرمندان ترک زبان اهدا شد.

برای پیشبرد ارتباط کشورهای همسایه در خاورمیانه در نظر گرفته شده است که شش ماه دیگر نظیر همین همایش در ترکیه با حضور کشورهای عربی و همچنین ایران انجام شود و در صورت امکان نیز ایران می‌بایست میزبان همایشی برای پذیرایی از مهمانان ترک زبان باشد.

این سفر نه تنها هنرمندان ایرانی را به ترکیه بیش از پیش معرفی کرد، و نه تنها ایرانیان تا حدی با هنرمندان ترکی و آثار و افکارشان آشنا شدند، همچنین، درهایی را به سوی ارتباط‌های آتی گشود و نامه‌ها و داستان‌ها و شعرهای آنان را همچنان به صندوق پستی نویسندگان ایرانی روانه کرد و نوشته‌های ما نیز به صندوق پستی آنان و یا در پشت خطوط الکترونیکی به تبادل افکار و اطلاعات با دوستانی در همسایگی می‌پردازد و این ارتباط به ادبیات هر دو کشور اعتماد به نفسی می‌دهد تا بتواند به سوی معرفی خود به جهان حرکت کند. با توجه به اینکه کشور ترکیه معیارهای مدنی خود را با معیارهای اروپایی تطبیق می‌دهد که تا سال ۲۰۰۵ کشور اروپایی به شمار بیاید، در آن وقت نمی‌دانیم درهای بسته رو به چه کسی خواهد بود!

دوره سوم، شعران  
سه، چهار، پنج و شش  
مزارو سیسئو هشتاد و سه

